

مقاله پژوهشی

دینامیزم اقتصاد سیاسی فضا، ناموزونی کالبدی و اغتشاش بصری

(مورد مطالعه: خیابان شهرداری از میدان تجریش تا میدان قدس)*

نازلی طاهریان

دکتری معماری، گروه هنر، پردیس بین‌المللی کیش، دانشگاه تهران، ایران.

حمیدرضا پارسی**

دانشیار دانشکده شهرسازی، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۲ تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۱

چکیده | در چهل سال گذشته شواهد رژیم انباشت ثروت و سرمایه، همپای جریان مداوم و شتابان اشغال فضا، مکان و قلمروهای آن، انحلال و تجدید ساخت و ادغام‌های فضایی در فضاهای شهری شهرهای ایران، به ناموزونی و اغتشاش فضا در معماری و منظر شهری بیش از پیش دامن زده است. مسئله، یافتن دلایل روند سریع ناموزونی و اغتشاش شدت‌یافته در معماری و منظر شهری، به‌ویژه در کلانشهرهای ایران است. پرسش تحقیق آنست که نیروها، عوامل و مناسبات تأثیرگذار کدامند و از کدامین مسیر بر اغتشاش و ناموزونی فضایی مؤثر می‌افتند. نمونه پژوهش و محدوده مطالعه تجربی خیابان شهرداری، بین دو میدان سرپل و قدس است. هدف این پژوهش شناسایی و معرفی نیروها و مناسبات تأثیرگذار بر سازوکارهای تشکیل بازارهای زمین و مستغلات است که آشکار و پنهان، به وساطت سازندگان مسکن و ساختمان‌توانسته‌اند، از طریق اشغال انحصاری فضا و مکان محدوده میدان تجریش، انحلال و ادغام‌های فضایی و مکانی شتابان، عرصه معماری خیابانی و منظر شهری را ناموزون و مغشوش ساخته و به روند تجدید ساخت فضایی شهر در این محدوده، خدمت کنند. پژوهش حاضر با توجه به هدف، در زمره پژوهش‌های کاربردی - توسعه‌ای قرار دارد. منطق مطالعه، قیاسی و استقرایی است و روش انجام آن، توصیفی - تحلیلی، از نوع نمونه پژوهشی بوده که با تحلیل پیوند شناختی و کارکردی، به یک سنتر نهایی دست یافته است. براساس یافته‌های پژوهش، رشد فعالیت بخش خصوصی و دینامیزم نیروهای مؤثر بر انباشت سرمایه، متکی بر رانت‌های انحصاری-مالی در سایر بخش‌ها، در لافافی از مناسبات گاه فرهنگی، نقش مهمی در بروز ناموزونی کالبدی و اغتشاش فضایی دارند.

واژگان کلیدی | معماری، منظر شهری، اغتشاش بصری، ناموزونی کالبدی، اقتصاد سیاسی.

و ثروت در چرخه دوم فرایندهای گردش سرمایه - یعنی ساختمان - بر تولید مسکن و ساختمان، سازوکارهای تشکیل بازار و مستغلات و دخالت فرایندهای آشکار و پنهان اقتصادی دستگاه‌های دولتی، به شرایطی دامن زدند که پیمانکاران، سازندگان مسکن و ساختمان و تأمین‌کنندگان منابع مالی آن توانسته‌اند، از طریق اشغال فضا و مکان و بعضاً توسعه‌های فیزیکی از درون، انحلال و آزادسازی و ادغام فضایی شتابان، چنان سرعتی به روند تجدید ساخت فضایی شهر دهند که

مقدمه | از دهه ۸۰ میلادی با توسعه مطالعات میان‌رشته‌ای، دانش اقتصاد سیاسی فضا، همچون ققنوسی از میان گرایش‌های تخصصی طراحی شهری، معماری و دانش اقتصاد سیاسی برخاست. پارادایم نظری کنونی دانش اقتصاد سیاسی فضا، در تبیین مظاهر کالبدی معماری و شهرسازی بر پایه نظریات لوفور (لوفور، ۱۳۹۴) و هاروی (هاروی، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۵)، مدلل ساخت که: «مناسبات اقتصادی حاکم و فرایند انباشت سرمایه

** نویسنده مسئول: ۰۰۹۱۹۴۰۵۴۶۱۳@ut.ac.ir

معماری و منظر شهری، اقتصاد سیاسی فضا و تعاملات اثرگذار بین این دو سازه، بنا شده است.

• سازه نظری اول - معماری و منظر شهری

اغتشاش فضایی و کالبدی را می‌توان با استناد به تعاریف ارائه‌شده در دانشنامه‌ها و لغت‌نامه‌های معتبر، به‌وجود آشوب، بی‌نظمی، هرج‌ومرج، اختلال، آشفتگی و درهم‌شدگی نظام معماری و شهرسازی و عدم انتظام ساختاری امور مرتبط، نسبت داد. با همین رویکرد توسعه ناموزون را می‌توان: گونه‌ای از گسترش و توسعه عمرانی معنا کرد که هرچند با هدف ترقی و پیشرفت صورت می‌گیرد، اما ناسازگار، ناهنجار، فاقد وزن به مفهوم «سنگینی، صلابت، ارزش» و اعتبار و ریتم به مفهوم «ضربانگ و واجد وزن یا ناهمانگ با وضعیت موجود و یا وضعیت درخور و شایسته» مورد نظر است. از نگاه اندیشمندان حوزه‌های معماری و منظر فضای شهری، شکل محیط، می‌تواند معیاری برای سنجش ارزش‌های محیطی و اجتماعی حاکم بر آن و همچنین مبنایی برای ارزیابی مطلوبیت نسبی فضا، توسط متخصصان حوزه‌های مرتبط به حساب آید. کوین لینچ، در تعریف معنای فضا، آن را به شکل و کیفیت فضا و درعین‌حال به فرهنگ، منش، موقعیت، تجربه و مقصد کنونی مشاهده‌گر وابسته می‌داند. وی، هویت‌مندی، ساختار رسمی، حس جهت‌یابی در زمان و مکان، سازگاری، تناسب (به مفهوم راحتی، رضایت و کارایی محیط) و انطباق عملکرد و شکل، شفافیت و بی‌واسطگی، خوانایی و اهمیت بیانی یا نمادی یک مکان را مفاهیم سازنده معنی می‌داند (لینچ، ۱۳۷۶، ۱۶۷ - ۱۸۱). کالن اعتقاد دارد، دیدهای پی‌درپی (سریال ویژن) یا آشکارشدن مقیاس‌های ناگهانی، طی گام‌های پی‌موده‌شده انسان در داخل فضاها، تأثیرات و جلوه‌های بصری خاصی را به‌وجود می‌آورد که به شهر و انسان، حس زندگی می‌بخشد (کالن، ۱۳۸۷، ۱۷ - ۲۰). از مفاهیم مورد توجه کالن، «حس موقعیت» است. مفاهیم دیگری، همچون: قلمرو اشغال شده، قلمرو در فضای حرکت عمومی، فضای محصور و نیمه‌محصور، فضای بسته، فضای غیرواقعی (واهی)، فضای تعریف‌شده، نقطه عطف، محوطه، منظر درون و فضای بیرون، منظر پنهان‌شونده، انحراف، پیش‌آمدگی و عقب‌رفتگی، رویداد، تأکید (وقفه)، تنگناها، بی‌پایانی و اسرارآمیز بودن، در تقویت ویژگی‌های کیفی یک مکان، مؤثرند (همان، ۲۱ - ۵۶). یان گل، محیط فیزیکی را عاملی دانسته که فعالیت‌ها را به درجات مختلف و در مسیرهای متفاوت، متناسب با خواسته‌ای که در محیط فیزیکی انجام می‌شود، تحت تأثیر قرار می‌دهد (گل، ۱۳۹۶، ۱۳). اگرچه چارچوب فیزیکی، اثر مستقیمی بر کیفیت، محتوا و شدت ارتباطات اجتماعی ندارد، اما معماران و برنامه‌ریزان شهری می‌توانند بر امکان‌پذیری ملاقات، دیدن و شنیدن مردم، اثر بگذارند (همان، ۱۸ و ۱۹). موضوع دیگر مورد توجه و

ناموزونی و اغتشاش فضایی در عرصه معماری و منظر شهری شدت گیرد». این فرایندی است که در بسیاری از شهرهای جهان، نظاره‌گر آن هستیم. تغییرات کالبدی شهرهای ایران، گویای روند تجدید ساخت فضایی شهر، ناموزونی و اغتشاش فضایی در عرصه افقی و عمودی است (رفیع‌پور، ۱۳۷۷؛ مدنی‌پور، ۱۳۸۱؛ تولایی، ۱۳۸۶؛ مصلی‌نژاد، ۱۳۹۵؛ رئیس‌دانا، ۱۳۹؛ درودیان، ۱۴۰۰). مظاهر این روند، به‌ندرت از زاویه اقتصاد سیاسی مورد تحلیل قرار گرفته و دانش اقتصاد سیاسی فضا به‌طور عام، نمی‌تواند جایگزین تحلیل مشخص از شرایط مشخص شود. بنابراین هدف این مقاله شناسایی اثرگذارترین مؤلفه‌های اقتصاد سیاسی شکل معماری و منظر شهری محدودۀ میدان تجریش در کلانشهر تهران است؛ چنانکه در این محدوده، به‌گواه تحلیل‌های صورت گرفته، علاوه بر سازوکارهای بازار سرمایه در بخش ساختمان و شهر، دینامیزم برخی از مؤلفه‌ها، قوی‌تر و با وزن بیشتری نسبت به سایر مؤلفه‌های تأثیرگذار توانسته است شرایطی را پدید آورد که نظام کالبدی و منظر شهری آن، دستخوش چالش ساختاری شده و اغتشاش فضایی پدید آید. روش انجام این پژوهش کاربردی-توسعه‌ای، به لحاظ شناخت‌شناسی، توصیفی-تحلیلی بر روی یک نمونه مطالعاتی بوده است. روش توصیفی، به توصیف کالبد معماری و منظر شهری محدوده مفروض و روش تحلیلی، به تحلیل ساختار فضایی و کالبدی این محدوده و تأثیر دینامیزم مؤلفه‌های اقتصاد سیاسی فضا، تحلیل تم و تحلیل مسیر پرداخته است. درنهایت تلاش شد تا با ارتقاء از سطح تجربی به سطح نظری، به یک افزوده نظری در تطبیق با شهرهای کشور ایران دست یافت.

پیشینه پژوهش

در مرور دانش پیشین پژوهش سعی شد تا در مجال و ظرفیت در اختیار در مقاله، افزون بر متون و منابع نظری اصلی معتبر، جدید و مرتبط با موضوع، پرسش و هدف پژوهش، به نقطه‌نظرات صاحب‌نظران مرجع و شناخته‌شده داخلی و خارجی و دستاوردهای پژوهش‌های موضوعی مشابه نیز اشاره شود. مطالعات نشان داد، پژوهش‌های ارزشمند پیشین که پایه و مایه این پژوهش نیز قرار گرفته‌اند، عموماً از زاویه تأثیر یکی از مؤلفه‌های اقتصاد سیاسی بر فضای معماری و منظر شهری، به پژوهش پرداخته شده است و از این منظر، با رویکرد این پژوهش که همان وجه توسعه‌ای آن است، متفاوت هستند. جدول ۱ بخش مهم مطالعات تجربی پیشین را نشان می‌دهد.

چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری این پژوهش، بر پایه دو سازه اصلی، شامل:

ردیف	پژوهشگر / پژوهشگران	عنوان پژوهش	زمینه پژوهش	نتایج پژوهش	دیدگاه نگارنده در خصوص رویکرد پژوهش / مطالعه
۱	صادقی پور رودسری، علیمحمدی و معظمی (۱۳۹۷)	تحلیل سیر تحولات شاخص‌های برنامه‌ای مراکز خرید تهران	اجتماعی و برنامه‌ریزی شهری	تبیین تأثیر تغییر سبک زندگی شهروندان در بازنمودهای شهری	این پژوهش، از منظر فرهنگی و تحلیل کاربری به موضوع پرداخته و به عوامل بنیادینی همچون: برنامه‌ریزی برای تغییر سبک زندگی شهروندان با اهداف سوداگرانه، نظر نداشته است.
۲	Kenny & Zysman (2016)	ظهور اقتصاد با بستر نرم‌افزاری	اقتصاد دیجیتال	معرفی چشم‌انداز آتی بسترهای نوین اقتصادی و تغییر شکل‌های بازارها و کسب‌وکارها	با توجه به تمرکز نگارندگان بر معرفی بسترهای دیجیتال کسب‌وکارهای نسل جدید، بررسی حول محوریت تأثیرات شهری موضوع نبوده است.
۳	عبده تبریزی (۱۳۹۸)	املاک تجاری بر سر دوراهی	اقتصاد شهری	تبیین تأثیرات مخرب سوء مدیریت شهری بر اقتصاد شهری	به درستی به پیامد سوداگرانه پدیده مازاد عرضه فضاهای تجاری اشاره شده که همسو با موضوع پژوهش حاضر نیز است؛ اما از آنجا که ایشان اقتصاددان هستند، به پیامدهای اقتصاد شهری، پرداخته‌اند.
۴	مقصودی (۱۳۹۸)	یک‌جانبه‌گرایی مدرنیستی و سیاست‌های توسعه شهری ایران معاصر	بررسی اجتماعی	تبیین رویکرد یک‌جانبه‌نگری مدرنیستی از سوی طبقه به اصطلاح نخبه جامعه در مقطع زمانی مورد مطالعه (دوره قاجار) و نادیده گرفتن مشارکت عموم مردم، باعث شد این پدیده به‌عنوان یک تعارض ایدئولوژیک، جلوه کند.	این پژوهشگر، بر لزوم آماده‌سازی اجتماع به‌منظور پذیرش اجتماعی تغییرات ناشی از مدرنیته تأکید کرده است که می‌تواند خود به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اجتماعی اقتصاد سیاسی قلمداد شود.
۵	منوچهر معظمی (۱۳۹۴)	معماری معاصر ایران - جامعه کوتاه‌مدت - معماری کوتاه‌مدت	معماری و شهرسازی	این پژوهشگر نگرش کوتاه‌مدت جامعه ایران در همه زمینه‌ها و سرایت آن به موضوع ساخت‌وساز را عامل شکل‌گیری پدیده‌ای موسوم به «معماری کلنگی» دانسته است.	پژوهشگر ریشه اصلی آشفتگی کنونی معماری در ایران را در آشفتگی اذهان و رؤیاهای جامعه ایران و فراموشی دانایی فرهنگی دانسته است، در حالی که به نظر می‌رسد، نگاه سوداگرانه سرمایه‌داری در بهره‌برداری از آشفتگی ذهنی و نسیان فرهنگی، نادیده گرفته شده است.
۶	شهبابیان و گلی‌پور (۱۳۹۶)	مدیریت بصری شهر با تأکید بر نماهای ساختمان	منظر شهری	در این پژوهش، ضمن تحلیل نمونه‌های داخلی و خارجی و معرفی چند مؤلفه کیفی، راهکارهایی به‌منظور تأمین مطلوبیت بصری محیط شهری و نماهای ساختمان‌ها ارائه شده است.	رویکرد این پژوهش، کالبدی و تکنیکی بوده است و به عوامل اقتصادی، بسیار محدود و صرفاً به ارزش زمین و تأثیر آن بر نوع ساخت در عوامل مؤثر بر ترکیب نمای ساختمان‌ها، اشاره شده است.
۷	آقایی، توکلی‌نیا کلانتری و فنی (۱۳۹۸)	تولید و بازتولید در چرخه دوم انباشت سرمایه، نقدی بر زندگی روزمره در فضای زیسته	اقتصاد سیاسی	پژوهشگران، ضمن مرور نظریات اندیشمندان، چون هگل، مارکس، انگلس و لوفور و بیان نقاط قوت و ضعف نظریات، فضای زیسته حاکم را محصول فرایند تریالکتیکی چرخه سرمایه‌دارانه و بنا نهاده شدن شهروند منفعل و مصرف‌گرا دانسته‌اند.	به نظر می‌رسد در این پژوهش، انسان صرفاً در قالب شهروند منفعل و مصرف‌گرا دیده شده است و انسانی که خود نقش‌های زیادی در تداوم این چرخه انباشت و تولید و بازتولید آن، چه در جایگاه شهروند و چه دولتمرد و سیاست‌گذار دارد نادیده گرفته شده است.
۸	گلکار (۱۳۷۸)	سیر تحول از رویکرد تزئینی تا رویکرد پایدار	منظر شهری	پژوهشگر فهم منظر را به‌مثابه نظامی از نشانه‌ها می‌داند که پیام یک دوره تاریخی از یک جامعه شهری را به شهروند انتقال می‌دهد. وی به نقش پراهمیتی که در هویت جمعی ایفا می‌شود، اشاره کرده است: مناظر شهری قادرند سلطه نهادهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را به اطلاع بیننده برسانند.	به استناد این پژوهش منظر یک شهر، رسانه‌ای است گویا از وقایعی که در زمینه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در یک سیر تاریخی رخ داده است. با این نظریه و با مطالعه موردی هر منظر، باید بتوان پس‌زمینه‌ها را شناسایی کرد، از جمله: مناسبات اقتصاد سیاسی حاکم بر فضای شکل‌گیری منظر مفروض.

ردیف	پژوهشگر/ پژوهشگران	عنوان پژوهش	زمینه پژوهش	نتایج پژوهش	دیدگاه نگارنده در خصوص رویکرد پژوهش / مطالعه
۹	مزینی (۱۳۷۴)	مطالعه کالبدی شهر تهران	منظر شهری	ارائه یک طبقه‌بندی موضوعی در روند مطالعات، براساس مقیاس مواجهه با موجودیت شهر در چهار طبقه، شامل: روحیه، پیکر، سیما و چهره، به همراه هشت عرصه از جنبه‌های بصری شهر، در قالب: مظاهر معمارانه و شهرسازانه، مظاهر هنرمندانه و مظاهر زندگی شهر، شامل فعالیت‌های چیره شهر، خصوصیات مشترک شهر و صدا و بو.	طبقه‌بندی موردنظر، همچنان از جامعیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است و صرفاً در مقیاس تحلیل رساله حاضر، با تمرکز بر مقیاس چهره شهر مطابق با این طبقه‌بندی به نظر می‌رسد، وزن و میزان تبلور جنبه‌های طرح‌شده در چهره مناطق شهری تهران، مبین نمودهایی از ردپای مؤلفه‌های اقتصاد سیاسی بر منظر شهری باشد.
۱۰	زندى (۱۳۹۲)	آسیب‌شناسی پهنه مصنوع در شهر در رابطه با مؤلفه‌های سازنده کیفیت محیط انسان‌ساخت	اقتصاد سیاسی	این پژوهش، به عوامل و مؤلفه‌هایی اشاره کرده که در جریان شهری سرمایه، نقش بازی کرده و کیفیت محیط انسان‌ساخت را عملاً به حاشیه می‌برند.	این پژوهش صرفاً به بخشی از مؤلفه‌های اقتصاد سیاسی دخیل در شکل‌گیری محیط مصنوع و البته نه همه آن‌ها، به درستی اشاره کرده است.
۱۱	خیرالدین (۱۳۹۳)	نگاه انتقادی بر عوامل تجاری شدن جداره های اصلی محلات شهری	منظر شهری	پژوهشگر، با اشاره به وسعت روزافزون گسترش بنگاه‌های تجاری، به سوداگرانه بودن رویکرد تولید فضا در تهران پرداخته که منظر شهری را به شدت تحت تأثیر قرار داده است؛ به‌ویژه رشد سرطانی بانک‌ها و بنگاه‌های مسکن که نمادی از فعالیت مولد، مطابق با آنچه در جوامع پیشرفته وجود دارد، نیست.	پژوهشگر با اشاره به یکی از مظاهر مخرب بسیار شایع، با برشی از اقتصاد سیاسی کشور و به‌صورت موردی، به منظر شهری تهران و بازنمود فیزیکی آن در دهه‌های اخیر پرداخته است.

این شرایط، داشتن شهری انسانی و پایدار، توأم با کارکرد سالم، به مطالبه و چالشی سخت بدل می‌شود. به همین دلیل معماری و منظر هر شهری، نیازمند بررسی ابعاد و نیروهای مختلفی است که در شکل‌گیری آن، طی فرایند زمانی خاص دخیل بوده‌اند و اقتصاد سیاسی فضا، جامع‌ترین بستر برای این ارزیابی و تحلیل است.

• سازه نظری دوم - اقتصاد سیاسی فضا

اقتصاد سیاسی فضا را می‌توان یک زبان با این قابلیت دانست که علایق فضایی علوم اجتماعی، جغرافیا، مطالعات فرهنگی، اقتصاد، معماری، تاریخ هنر و سایر رشته‌ها را شامل می‌شود. از دیدگاه مک لولین، رشته جغرافیای انسانی، به‌دلیل مرکزیتی که «دیالکتیک اجتماعی- فضایی» در آن دارد، در قلب اقتصاد سیاسی فضا، نقش کلیدی را بازی می‌کند (کاتبرت، ۱۳۹۵، ۱۰ و ۱۱) و از آنجا که سرمایه‌داری، برای حفظ جریان سرمایه‌دارانه تولید، به سمت فضا پیش می‌رود، فضا به هیچ‌وجه خنثی نیست، بلکه امری سیاسی است و از این‌رو، با روابط قدرت درهم آمیخته است (لوفور، ۱۳۹۴، ۲۸ و ۲۹). در دوره سرمایه‌داری، فضا، بیش از سایر عوامل، تحت تأثیر اقتصاد است و سایر نهادهای اجتماعی در این دوران، مرعوب نقش و اهمیت اقتصادی (شوای، ۱۳۹۷، ۳۰۱). چنانچه الگوهای فضایی

تأکید وی، رابطه حواس و مقیاس نمای شهری است، چنان‌که ساختمان‌های کوتاه، با دستگاه حسی افقی انسان سازگارند، اما ساختمان‌های بلند این‌طور نیستند (همان، ۳۹). در خیابان‌های باریک و فضاهای کوچک، انسان می‌تواند ساختمان‌ها، جزئیات و مردم اطراف خود را از فاصله نزدیک ببیند و آن‌ها را با شدت زیادی تجربه کند؛ در تقابل آشکار با تجربه شهرها و مجموعه‌های شهری که فواصل، فضاهای شهری و ساختمان‌ها در آن‌ها عظیم هستند، محیط ساخته‌شده پراکنده است و جزئیات وجود ندارد (همان، ۵۳). مشابه تجربه‌ای که منبعث از تأثیر متفاوت مقیاس حرکت در ادراک فضا است (همان، ۴۴) و در تغییر تدریجی تناسبات و مقیاس شهرها از انسان-محوری به اتومبیل-محوری، بار معنایی و راحتی شهرها از دست رفته و یا کم‌اهمیت شده است (همان، ۵۵). رعایت استانداردهای کیفی مدنظر صاحب‌نظران، با شاخص‌های کمی توسعه شهری مورد نظر مسئولان که بیش از هر چیز دیگری، دسترسی‌های سواره و محل توقف خودروها را هدف می‌گیرد و عرصه‌های عمومی را به نفع محورهای سواره، محدود یا حذف می‌کند، تناسب و همسویی ندارند. رویکرد مدرنیته و شتاب تغییرات توسعه‌ای نیز قالب‌های اغواکننده‌تری به خود گرفته و جریان سرمایه‌داری سوداگرانه را به سمت خود جلب کرده است. در

بنابراین دولت، عنصری جدا از سرمایه‌داری نیست و بدل به دولت سرمایه‌دار شده و یا سرمایه‌داری دولتی شکل می‌گیرد (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۴، ۹). فرهنگ و ایدئولوژی نیز مستقیم یا غیرمستقیم بر اقتصاد، جامعه و دولت‌های منطقه خاورمیانه، تأثیرگذار بوده و موجب شده رهبران، حاکمان و نخبگان سیاسی در همه امور خصوصی، عمومی و سیاسی دخالت داشته باشند. دین، نفت و دولت، سه عنصر کلیدی در حیات اجتماعی آنان بوده است (موثقی، ۱۳۹۸، ۳۶۲ و ۳۶۳). فرهنگ‌های جدید اقتصاد مدرن، نیازمند تغییر نگرش، ارزش‌ها، باورها و انگاره‌های مصرف است که با تبلیغات گسترده، از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی صورت می‌گیرد (مدنی‌پور، ۱۳۷۹، ۱۴۹). از این‌رو، شکل معماری و فضای شهری، معلول مناسبات اقتصادی و تولیدی، مناسبات حوزه زمین و املاک و مستغلات، مناسبات سیاسی و روندهای اجتماعی و فرهنگی دوران‌های تاریخی هستند که پیمانکاران، سازندگان مسکن و ساختمان و تأمین‌کنندگان منابع مالی آن توانسته‌اند، از طریق اشغال فضا و مکان، انحلال، آزادسازی و ادغام فضایی به روند تجدید ساخت فضایی شهر اقدام کنند و گاه آن را با ناموزونی و اغتشاش فضایی در عرصه معماری و منظر شهری مواجه کرده و به اغتشاش ساختاری شهر کمک کند. در مجموع رویکرد اقتصاد سیاسی این پژوهش بر پایه سه بُعد اصلی، شامل: اقتصاد و مناسبات اقتصادی، نظام اجتماعی و سیاست، شکل یافته است. تصویر ۱، ایدئوگرام اقتصاد سیاسی معماری و منظر شهری است که از درون مطالعات نظری این پژوهش، به‌دست آمده است.



تصویر ۱. ایدئوگرام اقتصاد سیاسی معماری و منظر شهری. مأخذ: نگارندگان.

استقرار، بیش از همه عوامل، تحت تأثیر الگوی نهادهای اقتصاد و سیاست‌های پشتیبان آن هستند. زمین و روابط سرمایه‌دارانه یا آنچه لوفور «مستغلات» نامیده، یکی از عرصه‌های دخالت نیروهای بنیادین جامعه و «منبعی برای ارزش اضافی» و «مقصد سوداگران توسعه فضا برای کسب ثروت» است (لوفور، ۱۳۹۴، ۱۷ و ۱۸). همچنان‌که هاروی، هیچ راه برون‌رفتی به جز شهری شدن را برای بازتولید سرمایه‌داری، انباشت و بحران‌های آن در عرصه‌های صنعت و کشاورزی نشمرده است (هاروی، ۱۳۹۲، ۳۱۷). برای فهم سازوکار تأثیر اقتصاد سیاسی بر فضای شهر اهمیت دارد بدانیم: مادامی که جامعه خود را بازتولید می‌کند، مجموعه‌ای از مناسبات اجتماعی و ملکی نیز برقرار و طی زمان، بازتولید می‌شوند، مناسباتی که بر پایه مالکیت خصوصی یا کنترل بر زمین، مستغلات و ابزار تولید است. ویژگی‌های فیزیکی فضای شهری، به‌مثابه تولیدات روندهای راهبردهای سیاسی و خط‌مشی‌های اقتصادی هستند (کاتبرت، ۱۳۹۵، ۴۸). در چارچوب سرمایه‌داری انحصاری، نقش دولت، به‌واسطه موضع‌گیری‌های ایدئولوژیکی گوناگون و فرایند برنامه‌ریزی شهری و تنظیم محیط برای طراحی شهری (همان، ۹۰ و ۹۱) و تأثیری که بر سرمایه‌های گوناگون می‌گذارد و نهایتاً روند شکل شهری را می‌سازد (همان، ۹۳ و ۹۴) کلیدی است، به این دلیل که سیاست‌گذاری و تغییر کاربری، تبعات اجتماعی و اقتصادی خود را به دنبال داشته و به‌عنوان یک فرایند سیاسی در روند انباشت سرمایه، ضمن تغییر شکل فضا، موجب ثروتمندتر شدن ثروتمندان و محروم ماندن گروه‌های کم‌درآمد و فقیر می‌شود (همان، ۶۴ - ۶۵). در این فرایند، مؤسسات و نهادها و کارگزاری‌های شامل سازندگان، مؤسسات مالی و نهادهای دولتی، نیمه‌دولتی و خصوصی متعدد و مکمل مالی، حقوقی، سیاسی، آموزشی و همچنین سازوکارهای خاصی ایجاد می‌شود که بازار را پشتیبانی می‌کنند و مانع اصلی در راه حذف نایابی هستند و در زمینه تولید ارزش مصرفی برای کسب ارزش مبادلاتی نقش مهمی ایفا می‌کنند (هاروی، ۱۳۹۵، ۱۶۸ - ۱۷۰). کنشگران در بازارها، حاصل میراثی از نقش‌ها و روابط قدرت هستند. بنابراین، درک نقش قدرت در تعاملات اجتماعی مبتنی بر بازار، ضروری است (موثقی، ۱۳۹۸، ۱۲ و ۱۳). لذا، با توجه به این‌که مکان‌های خاص می‌توانند آشکارا رانت ارضی بیشتری را به جهت موقعیت ممتاز خود به نسبت سرمایه‌گذاری‌های قبلی به‌دست آورند، رانت و انحصارطلبی در زمینه تخصیص زمین (همان، ۱۵۷) و فساد سیاسی که از درون رانت و انحصار بیرون می‌آید، در اقتصاد بازار می‌تواند نقش داشته باشد (همان، ۱۱۲). مناسبات عرصه بین‌الملل و کسب مشروعیت دولت‌ها از حضور در تجارت جهانی و تأمین کالاها و خدمات از منابع خارجی باعث مشروعیت دخالت آن‌ها در داخل نیز می‌شود.

روش‌شناسی تحقیق

در این پژوهش از دو منطق استفاده شد، ابتدا منطق قیاس در تدوین مدل و چارچوب عام و در گام بعد «درجهت تکمیل روش استدلال قیاسی و با هدف تحلیل تم»، مستقیماً از منطق استقرا و روش کیفی و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته برای رسیدن به مدل تحلیل انطباقی. به دلیل وجود تفاوت مقیاس مدل عام با شرایط خاص یک خیابان، انجام تحلیل تم از شرایط اقتصادی و اجتماعی تهران و به‌طور مشخص میدان تجریش در شرایط کنونی، امکان کالیبره‌شدن عام در خاص را فراهم و مباحث کلیدی فضاهای مشخص را برجسته می‌ساخت. با توجه به این‌که به‌منظور تحلیل تم، نه به فرضیه تحقیق، بلکه به پرسش تحقیق نیاز بود، پرسش تحقیق در قالب این محتوا طرح شد که: دینامیزم کدام مؤلفه‌های اقتصاد سیاسی فضا، بیشترین سهم را در شکل‌گیری معماری و منظر شهری کنونی محدوده میدان تجریش داشته و نتیجه آن چه بوده است؟ پس از انجام مطالعات تم و تعیین موضوعات، عوامل و متغیرها، تحلیل مسیر به‌منظور تعیین زنجیره علی میان متغیرها صورت گرفت که پایه اصلی مدل انطباقی تحلیل برای تحلیل مشخص خیابان را فراهم کرد. پژوهش مشخص از شرایط مشخص حاضر، واجد دو وجه کمی و کیفی است که با توجه به هدف، در زمره پژوهش‌های کاربردی-توسعه‌ای قرار دارد. روش انجام این پژوهش به لحاظ شناخت‌شناسی، روش توصیفی-تحلیلی از نوع همبستگی بر روی یک نمونه مطالعاتی است. داده‌های مورد نیاز این پژوهش در دو طبقه‌بندی کالیبره و اجزا آن‌ها خلاصه شد. نخست داده‌های مرتبط با معماری و منظر شهری و سپس داده‌های مرتبط با نهادهای مالی و بانکی، شامل اسناد موجود در تحقیقات گذشته، آمارهای رسمی، آمارهای غیررسمی، از طریق مشاهده و کاوش میدانی، به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم و انجام مصاحبه به روش نیمه‌ساختاریافته با صاحب‌نظران و متخصصان حوزه‌های ذی‌ربط و همچنین از طریق پرسشنامه، گردآوری شده است. انتخاب محدوده میدان تجریش به‌عنوان نمونه پژوهشی، با این رویکرد صورت گرفته است که این محدوده شامل خیابان تجریش و دو میدان سرپل و قدس به‌عنوان فضای شهری، عنصری از ساختار فضایی و کالبدی شهر تهران است که دو خیابان مهم شهر تهران را به بخشی از استخوان‌بندی این محدوده متصل کرده و به علت در برداشتن عناصر مهم اداره شهر، مانند شهرداری منطقه یک، بیمارستان دولتی شهدای تجریش، پایانه نهایی مترو خط یک، بازار قدیمی تجریش، محور تجاری رو به گسترش با پاساژها و مراکز گوناگون تجاری خرد و بزرگ‌مقیاس ارگ و بازار قائم، مرکز زیارتگاهی امام‌زاده صالح و خدمات پذیرایی و ارتباطی دیگر و ... از جایگاه اقتصادی، خدماتی، زیارتی -

فرهنگی و سیاسی - مدیریتی برخوردار بوده و همواره مورد نظر تصمیم‌گیران و متنفذین شهر بوده است. یافته‌های نظری این پژوهش در گام اول در قالب یک چارچوب یا مدل (مدل تحلیلی چارچوب نظری عام، تصویر ۲) ارائه می‌شود. این چارچوب، مبین ارتباط مفاهیم، مؤلفه‌ها و متغیرهای اصلی تحقیق (متغیر مستقل و متغیر وابسته) به‌طور عام و در سطح جهان است که برگرفته از نظریات صاحب‌نظران دو حوزه کلان «شهر، معماری و منظر شهری» و «اقتصاد سیاسی به‌طور عام و اقتصاد سیاسی فضا به‌طور خاص» است.

در گام دوم، نتیجه دستاوردهای مطالعات نظری، با استناد به منابع و مقالات متعدد و تحقیقات و گزارش‌های مستند میدانی صاحب‌نظران درخصوص ایران و تهران (بانی مسعود، ۱۳۹۳؛ تولایی، ۱۳۸۶؛ درودیان، ۱۴۰۰؛ رفیع‌پور، ۱۳۷۷؛ رئیس‌دانا، ۱۳۹۷؛ کاتوزیان، ۱۳۸۴؛ مدنی‌پور، ۱۳۸۱؛ مصلی‌نژاد، ۱۳۹۵؛ موثقی، ۱۳۹۸) که در باب تأثیر مؤلفه‌های اقتصاد سیاسی و مکانیسم‌های آن‌ها بر فضای شهری و کالبد معماری در دسترس قرار داشت، انطباق چارچوب عام تحلیل بر شرایط تجربه ایران، مبین سه طبقه‌بندی موضوعی «نظام اقتصادی»، «نظام سیاسی» و «نظام اجتماعی» است که نتایج این مطالعات، به این شرح جمع‌بندی شد: دولت و نهادهای فراقوه‌ای، به اتکا درآمدهای حاصل از صادرات و فروش نفت و گمرکاتی مستقل و غیرشفاف و به مدد تمرکز شدید قدرت سیاسی، با وساطت نهادهای اقتصادی در اختیار، به‌ویژه بانک‌های خصوصی و دولتی خصوصی‌شده، قرض‌الحسنه‌ها و شرکت‌های اقماری مالی و پولی، منابع بانکی را به سمت بازاری که خود از طریق مداخله در سیاست‌های توزیع زمین و فضا آماده ساخته است، هدایت می‌کنند. این مداخله موجب نامتوازن شدن اقتصاد، عمیق‌تر شدن شکاف طبقاتی و تبلور آن به‌صورت اغتشاش فضایی و ناموزونی کالبد معماری و فضای شهری شده است. درواقع دولت و نهادهای فراقوه‌ای به‌عنوان متغیر مستقل در اقتصاد سیاسی و در زمینه ایران، یک ماهیت ترکیبی دارند، نه مجموعه‌ای از مؤلفه‌های جداگانه. چنان‌که دولت‌ها و نهادهای ذکرشده، نهادهای صرفاً اجرایی نیستند، بلکه موجودیت آن‌ها، متکی بر یک نظام انباشت سرمایه و ثروت است که منابع عظیم مالی و درآمد حاصل از صادرات و فروش نفت، همواره در اختیار آنان است. نفت، به‌عنوان منبع انحصاری درآمد دولت، آن را کاملاً رانتی شکل داده است. «دولت رانتینر» به‌مثابه مانع تغییر وابستگی به درآمدهای نفتی، نوع متمایزی از محیط نهادی، یعنی دولت نفتی را به‌وجود آورده است که مشوق توزیع سیاسی رانت‌هاست. این موضوع قوی‌ترین دلیلی است که چرا گروه‌های ذی‌نفع مستقر خصوصی (به‌ظاهر خصوصی ولی در باطن خصوصی - دولتی

کاربری تجاری حاصل شده است و افزون بر این، فعالیت‌های همبسته (پیشین و پسین)، با ترکیبی از اشکال اقتصادی، فراغتی، تفریحی، فرهنگی و بعضاً آموزشی نیز به آن‌ها افزوده شده است.

۲- توسعه خزنده و بعضاً تجزیه واحدهای تجاری در درون خود.
۳- نفوذ و تجاوز به حریم پیاده‌روها و معبر عام خیابان شهرداری و اطراف صحن و بارگاه امامزاده صالح، توسط دستفروشان و مغازه‌ها و یا اشغال وسیع فضای شهری به‌منظور پارک موتورسیکلت‌ها.

در ادامه، یافته‌های توصیفی این محدوده به اختصار برشمرده شده است.

- وجود شواهدی مبنی بر «رعایت نکردن ضوابط شهری» که شامل موارد زیر است:

الف: وجود شواهد متعدد از «نابسامانی در انتظام رشد و توسعه فعالیت‌ها». در این رابطه، نمود واضح رشد افسارگسیخته نظام فعالیت‌ها و نابسامانی و تجاوزهای آشکار فعالیت‌های موجود به حریم پیاده، کاملاً مشهود است (تصویر ۳).

ب: رشد و توسعه فیزیکی به درون بازار سنتی و به‌ویژه واحدهای تجاری ضلع جنوبی خیابان شهرداری و نفوذ آن‌ها در فضای ورودی و راه‌پله ساختمان‌ها. مقایسه واحدهای تجاری و تولیدی محدوده میدان تجریش در دو مقطع زمانی: سال‌های آغازین دهه ۱۳۷۰ (پیش از افتتاح واحدهای تجاری پاساژ قائم در سال ۱۳۷۵) و اسفندماه ۱۴۰۰، به استناد برداشت میدانی انجام‌شده و همچنین اطلاعات اکتباس شده از مرکز آمار ایران (آمار کارگاه‌های تولیدی محدوده میدان تجریش، مربوط به سال ۱۳۸۱) و همچنین مصاحبه‌های انجام شده با ساکنان و مطلعین قدیمی محدوده، بر مبنای محاسبات زیر، حکایت از افزایش بیش از ۶۰۰ درصدی واحدهای مزبور دارد که علت عمده این افزایش چشمگیر طی کمتر از سه دهه، در درجه اول، واحدهای پاساژ قائم و در درجات بعدی، واحدهای ارگ تجاری، مرکز تجاری تندیس و توسعه و یا بهتر است گفته شود تجزیه درون‌زای بافت موجود بازار قدیمی بوده است.

ج: وجود شواهد متعدد، مبنی بر «تزام عملکردی» و به‌طور مشخص تداخل سواره و پیاده و اشغال پیاده‌روها با تعداد زیادی از موتورسیکلت‌ها در محدوده‌های متفاوت از پیاده‌روها (تصویر ۴).

د: رعایت نکردن ضوابط مربوط به تأمین پارکینگ در پاساژهای خیابان شهرداری و تأمین فضای عمومی و درخصوص پاساژ قائم که با وجود گستردگی افقی در میان بافت قدیمی بازار و تعداد پرشمار واحدهای تجاری در طبقات بالاتر، بدون توجه به ضوابط پارکینگ، به‌ویژه ضوابط مربوط به ساختمان‌های تجاری، احداث شده است.

- وجود مصادیق متعدد از وجود «اختلال کارکردی و ارزشی در

و معاونین حوزه شهری (حتی‌المقدور، فعال در و یا مسلط بر محدوده مفروض) و یا افراد دغدغه‌مند نسبت به سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این محدوده، تشکیل دادند. در این پژوهش به‌دلیل بالابودن حجم جامعه آماری و عدم امکان بررسی تمامی موارد، یک گروه نمونه به‌جای کل جامعه آماری، مورد مطالعه قرار گرفت. برای تعیین حجم نمونه، از فرمول کوکران استفاده شد که بر این اساس، جامعه آماری ۱۵۰ نفر تعیین شد. روش نمونه‌گیری از نوع خوشه‌ای و تصادفی ساده بوده است. بدین ترتیب که ابتدا از بین سازمان‌های دولتی و خصوصی، تعدادی از سازمان‌ها، به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و سپس از بین مدیران و کارشناسان سازمان‌های منتخب، نمونه مورد نظر انتخاب شد.

مطالعات حوزه تجربی در محدوده مورد پژوهش

مطالعات تجربی این پژوهش در دو بخش مجزا مشتمل بر توصیف و تحلیل یافته‌های به‌دست آمده و منحصراً مرتبط با محدوده میدان تجریش است.

• یافته‌های توصیفی محدوده میدان تجریش

محلۀ تجریش در تهران از جمله محلات قدیمی و مرکزی شمیرانات و یکی از کانون‌های تجاری و شلوغ، در منطقه یک شهرداری تهران قرار دارد. این محدوده به‌عنوان فضای شهری، عنصر مهم ساختار تهران است که از دو میدان سرپل تجریش و میدان قدس، در دو سمت خیابان شهرداری تشکیل می‌شود و نقاط پایانی دو عنصر ساختاری-کالبدی شهر تهران و دو شریان ارتباطی اصلی، قدیمی و پراهمیت ولیعصر و شریعتی هستند. ویژگی‌های زیست‌محیطی، تاریخی و پرجاذبه بودن منطقه، خصوصیت منحصربه‌فردی را به این محدوده بخشیده است. افزون بر این موارد، قرارگرفتن در منطقه یک شهرداری تهران، به لحاظ وجود ظرفیت‌های خاص اقتصادی، نقاط قوت و ضعف و همچنین فرصت‌ها و تهدیدهای قابل تأملی را برای آن ایجاد کرده است. این محدوده شامل حوزه‌های متعددی است، اما نکته‌ای که حائز اهمیت است، به‌هم‌ریخته‌شدن مرزبندی حوزه‌هایی است که در گذشته‌ای نه‌چندان دور (تا چهار دهه پیش)، حامل ارزش‌های متعدد تاریخی، فضای شهری و زیست‌محیطی بودند؛ اما اکنون حوزه‌ها از هر نظر با هم درآمیخته‌اند. این آمیختگی نه‌تنها تقویت‌کننده نیست، بلکه کاهنده و فرساینده نیز هست. بررسی فعالیت‌های محدوده تجریش به لحاظ ابعاد کمی و کیفی، گویای واقعیت‌های برجسته زیر است:

۱- نوعی دگردیسی سریع در شکل واحدهای تجاری در سال‌های اخیر، از واحدهای خرد به مراکز بزرگ تجاری چندعملکردی و از تجمیع پلاک‌های کوچک با کاربری‌های تجاری و غیرتجاری و تبدیل آن‌ها به پلاک‌های بزرگ با



تصویر ۳. شواهدی مبنی بر رعایت نکردن ضوابط شهری در محدوده میدان تجریش. عکس: نازلی طاهریان، ۱۴۰۰.

همجواری کاربری‌های محدوده بارگاه امامزاده صالح(ع) که به مفهوم همجواری برخی از فعالیت‌ها، در قالب کاربری تجاری که به لحاظ حفظ شأنیت، از یکسو و نوع کارکرد زیارتی، فرهنگی این بارگاه، مصداق نوعی اختلال است (تصویر ۵).
- وجود «مواردی متعددی از نابسامانی در انتظام و ساختار مظاهر زیرساخت‌های شهری» که از طریق اشغال هر گوشه از فضا با سیطره بی‌نظمی و سازمان‌نیافتگی آن‌ها، از جمله توزیع خطوط انتقال برق و مخابرات و نیز استقرار نابسامان و متعدد پست‌های برق، مخابرات و ... در پیاده‌روها نمود یافته است، همچنین وجود دکل‌های متعدد تقویت امواج مخابراتی



تصویر ۴. شواهدی مبنی بر تراکم عملکردی در محدوده میدان تجریش. عکس: نازلی طاهریان، ۱۴۰۰.



تصویر ۶. مواردی از نابسامانی در انتظام و ساختار مظاهر زیرساخت‌های شهری. عکس: نازلی طاهریان، ۱۴۰۰.



تصویر ۵. مصادیقی از وجود اختلال کارکردی و ارزشی در همجواری کاربری‌های محدوده بارگاه امام‌زاده صالح(ع). عکس: نازلی طاهریان، ۱۴۰۰.

اجرائی مدیریت شهری و سازمان‌های متولی زیرساخت‌های شهری (ادارات آب، برق، گاز و مخابرات) قرار می‌دهد. به‌طور نمونه، شکل‌گیری عناصری که معمولاً به‌دلیل کمبود امکانات فضایی، ضمن تحمیل هزینه‌های قابل ملاحظه بر مدیریت مالی شهر، موجب اغتشاش فضای شهری و بعضاً زائده‌های نامتناسب در منظر شهری و کاهش سطح استانداردهای فنی می‌شوند.

تصویر ۶، به وضوح، مبین مصادیق بارز اختلال و اغتشاش فضایی هستند.

و ماهواره‌ای، به‌عنوان پدیده‌های نوظهور شهری که به‌صورت روزافزون در حال گسترش است و نمونه‌های سامان‌نیافته آن (ضرورتاً یا حساب نشده) در این محدوده نیز مشاهده می‌شود (تصویر ۶). بدیهی است، ظرفیت‌های مورد نیاز برای هریک از زیرساخت‌های شهری، بر پایه تعداد جمعیت و سرانه‌های مقرر در طرح‌های شهری پیش‌بینی می‌شوند، اما در بافت‌های شهری از پیش موجود، این رویکرد، شرایط دشواری را برای تأمین ظرفیت‌های جدید تحمیل‌شده به وضعیت پیشین، سبب می‌شود و چالش‌های جدی را پیش‌روی بخش‌های

اصله درخت و جایگزین شدن آن با ساختمانی حجیم صورت گرفته است (تصویر ۸).

وجود مصادیق متعدد نابسامانی و اغتشاش بصری. مواردی همچون:

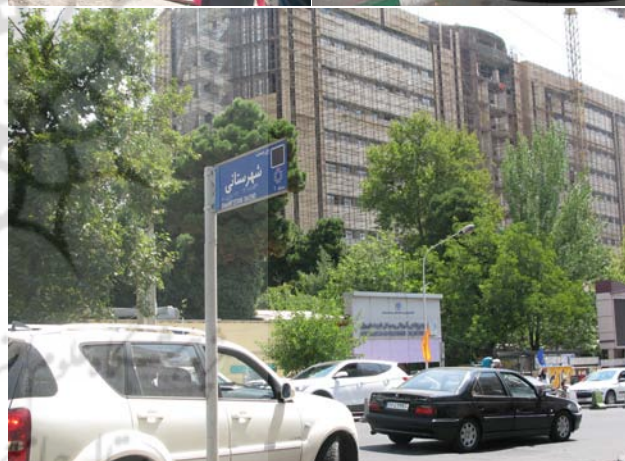
الف: آشفتگی و عدم مشاهده ضوابط مشخص و مدون، در خصوص «تماده‌ها و اشکال فرهنگی، تابلوهای تبلیغاتی و تجاری سردر مغازه‌ها» (تصویر ۹).

ب: اغتشاش خط آسمان و محدود شدن کریدورهای دید به‌ویژه دید شمالی به سمت رشته‌کوه‌های البرز که سالیان طولانی، از ویژگی‌های برجسته بصری و منحصربه‌فرد منظر شهری این محدوده، به شمار می‌آید (تصویر ۱۰).

• یافته‌های تحلیلی

این محدوده از حیث ساختار فضایی و کالبدی، تحت تأثیر دینامیزم مؤلفه‌های اقتصاد سیاسی فضا، در راستای پاسخ به پرسش تجربی پژوهش در سه بعد تحلیلی، شامل نتایج تحلیل کالبدی و فضایی، نتایج تحلیل تم و نتایج تحلیل مسیر، طبقه‌بندی و ارائه شده است.

توسعه فیزیکی بیمارستان شهدای تجریش که با اضافه شدن یک بنای مرتفع و حجیم به بناهای موجود در سایت بیمارستان که این از طریق اشغال، تخریب و انحلال و ادغام فضایی صورت گرفته و تأثیری قوی در کیفیت فضایی دارد (تصویر ۷).
وجود مصداق بارزی از «رعایت نکردن ضوابط مربوط به تغییر کاربری‌ها» در این مورد، به‌طور مشخص می‌توان به تغییر کاربری زمین ارگ تجاری، از کاربری باغ به کاربری تجاری-تفریحی اشاره کرد که در پی از بین بردن تعداد زیادی



تصویر ۷. تأثیر توسعه فیزیکی بیمارستان شهدای تجریش بر محدوده میدان. عکس: نازلی طاهریان، ۱۴۰۰



تصویر ۹. مصادیقی از نابسامانی و اغتشاش بصری در محدوده میدان تجریش. عکس: نازلی طاهریان، ۱۴۰۰.



تصویر ۸. مصداقی از رعایت نکردن ضوابط مربوط به تغییر کاربری‌ها. مأخذ: www.safarzon.com

با شروع رسمی فعالیت بخش‌های توسعه‌یافته بیمارستان شهدای تجریش، نمود مشخصی از اختلال کارکردی را به دلیل توسعه‌نیافتگی خیابان‌ها و محورهای دسترسی منتهی به این مرکز درمانی و دیگر ظرفیت‌های زیرساختی مورد نیاز کنونی که یا توسعه‌نیافته و یا سامان‌یافتگی ندارند، به وجود خواهد آورد. این موضوع پیش از این و به‌طور خاص، پس از افتتاح پاساژ قائم و سپس افزوده‌شدن بازار تندیس و ارگ تجاری به بافت تجاری موجود، با افزایش چشمگیر مراجعان و وسایل نقلیه شخصی، عمومی و موتورسیکلت‌ها و بار ترافیکی این محدوده تجربه شده است. اعطای مجوز احداث و توسعه پاساژ قائم، بدون رعایت ضوابط مربوط به پارکینگ، مصداقی از رعایت‌نکردن ضوابط شهرداری، درخصوص تأمین پارکینگ برای فضاهای تجاری است.

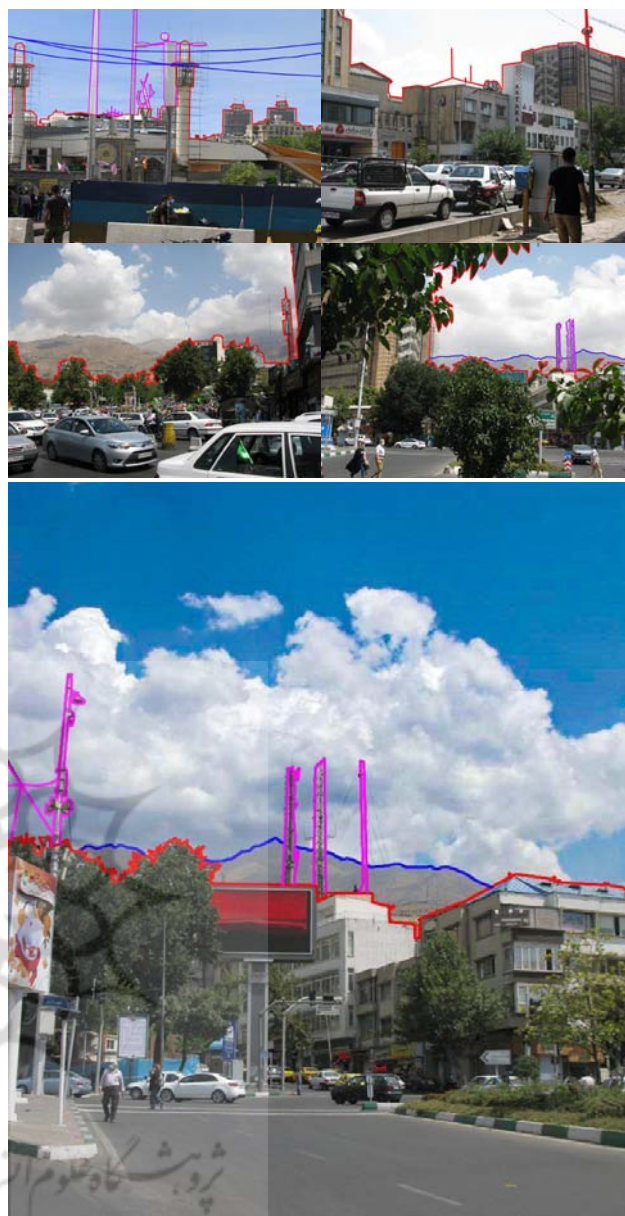
۴- از بعد انسانی، مقیاس انسانی وجود ندارد. احساس امنیت در میادین وجود ندارد. هویت محیط و معنای گذشته میدان تجریش از دست رفته است. ارزش‌های انسانی کم‌رنگ شده است. فضاهایی برای فراغت، نشست و گفت‌وگو کردن وجود ندارد و آنچه هست، به دلیل نفوذ مغازه‌ها به حریم پیاده‌روها و احاطه‌بخش قابل توجه آن توسط دستفروشان، عرض مناسب ندارد.

۵- از بعد بصری، تناسب بصری در احجام هم‌جوار و اجزای آن‌ها مشاهده نمی‌شود، کلیه نمادها و اشکال فرهنگی، تابلوهای تبلیغاتی و تجاری سردر مغازه‌ها، عموماً سامان‌یافتگی ندارد، محیط خوانایی لازم را ندارد. مصداقی از ناسازگاری و ناهنجاری و عدم رعایت ریتم و وزن و هماهنگی در معماری و منظر شهری مشاهده می‌شود؛ این موضوع، یکی از علت‌های اصلی مخدوش‌شدن خط آسمان منظر شمالی این محدوده نیز بوده است. موارد زیر مصداق‌های این مورد هستند:

الف: بنای تازه احداث شده بیمارستان شهدای تجریش، از نقطه‌نظر کالبدی و حجمی، ریتم و وزن بافت کالبدی و فضایی موجود را برهم زده است. همچنین با توجه به درشت‌دانه بودن حجم این بنا در کنار احجام ریزدانه بر خیابان شهرداری، نمود تشدید یافته‌ای از ناموزونی کالبدی را به تصویر کشیده است.

ب: تغییر غیرقانونی کاربری زمین ارگ تجاری، که از کاربری باغ به کاربری خدماتی-فرهنگی و سپس تجاری-خدماتی، تراکم ساختمانی محدوده را به‌شدت تحت تأثیر قرار داده است می‌توان مصداقی از تخطی از ضوابط شهرسازی دانست.

ج: به‌طور کلی، محدوده مورد مطالعه به‌عنوان یکی از محدوده‌های ساختاری شهر تهران که در شریان ارتباطی و عملکردی شهر، خیابان ولیعصر را به خیابان شریعتی وصل می‌کند، در حال حاضر از طریق اشغال فضا و مکان، انحلال و ادغام‌های فضایی مکرر، دچار ناموزونی و اغتشاش فضایی شتابان در عرصه معماری و منظر شهری شده و قطعاً به‌عنوان



تصویر ۱۰. اغتشاش خط آسمان و مخدوش‌شدن کریدورهای دید در محدوده میدان تجریش. عکس: نازلی طاهریان، ۱۴۰۰.

- یافته‌های تحلیلی فضایی و کالبدی

شرایط کالبدی و فضایی محدوده میدان تجریش با استناد به تعاریف مفهومی ارائه‌شده در بخش مطالعات نظری، در مجموع مؤید وجود اغتشاش بصری و ناموزونی کالبدی است. مضامین این اغتشاش و ناموزونی، در سه بعد ارتباطی، انسانی و بصری، متضمن موارد زیر است:

- ۱- از بعد ارتباطی و تناسب میان شبکه ارتباطی، بین فضای میادین و پیاده‌روهای حاشیه خیابان، تناسب وجود ندارد.
 - ۲- پارکینگ وسایل نقلیه شخصی و عمومی، کافی نیست.
 - ۳- حاکمیت اتومبیل، وسایل نقلیه عمومی و موتورسیکلت برقرار است.
- در این رابطه با توجه به شرایط کنونی حاکم، در آینده نزدیک،

بخش مستغلات از سوی دیگر، موضوعاتی بودند که از تحلیل پاسخ‌های ارائه‌شده به پرسشی مبنی بر: «ارزیابی از تغییرات منطقه یک و محدوده میدان تجریش و الگوی آن»، حاصل شد. ه: فقدان یک سیستم اجرایی و نظارتی، مبتنی بر ضوابط و چارچوب‌های قانونی فراگیر که به صورت یکسان و عادلانه اجرا می‌شود. این موضوع از تحلیل پاسخ‌های ارائه‌شده به پرسش «نقش واحدهای نظارتی در فرایند شکل‌گیری معماری و منظر شهری تهران» حاصل شد.

مدل تحلیلی چارچوب نظری انطباقی این پژوهش مطابق با تصویر ۱۱، مبین دینامیزم اثرگذاری مؤلفه‌های اصلی اقتصاد سیاسی فضا (متغیر اصلی) است. در این مدل اغتشاش بصری و ناموزنی کالبدی، به‌عنوان تظاهرات عینی معماری و منظر شهری، نقش متغیر وابسته را دارد. این مدل همچنین علاوه بر دو متغیر اصلی و وابسته، متغیرهای تعدیل‌کننده، کنترل‌کننده، تشدیدکننده و تهدیدکننده را نیز مشخص کرده است.

- یافته‌های تحلیل مسیر

در فرایند تحلیل مسیر، به‌دلیل این‌که نیاز بود تا تأثیرات هم‌زمان متغیرها برهم نشان داده شود، از روش مدل‌سازی علی یا مدل معادلات ساختاری که یکی از اصلی‌ترین روش‌های تجزیه و تحلیل ساختارهای داده‌ای پیچیده است، استفاده شد تا امکان تجزیه و تحلیل متغیرهای مختلفی که در یک ساختار مبتنی بر تئوری، تأثیرات هم‌زمان برهم دارند، فراهم شود. بارهای عاملی، همان معادلات اندازه‌گیری هستند که روابط بین متغیرهای پنهان و متغیرهای آشکار را نشان می‌دهند و معادلات ساختاری، مبین روابط بین متغیرهای پنهان و پنهان است و برای آزمون فرضیات استفاده می‌شوند. نتایج عددی به‌دست آمده از این فرایند، همان ضرایب مسیر هستند. جدول ۲، مبین اولویت‌بندی اثرات کل، مبتنی بر تحلیل مسیر بر فرم معماری و منظر شهری است. بر این اساس، مؤثرترین مؤلفه‌ها به ترتیب: دولت و حاکمیت، رانت و انحصار و نظام سرمایه‌داری و انباشت سرمایه هستند و پس از آن‌ها، منابع مالی و در مرتبه بعدی، مؤلفه‌های سیاست‌های پولی و بانکی، نهادها و کارگزاران اقتصادی و دیوان‌سالاری قرار گرفته‌اند. برآورد ضرایب مسیر - مستقیم و غیرمستقیم - و اثر کل و مدل پژوهش مشخص کرد که:

مؤلفه‌های مکانیسم‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر فرم معماری و منظر شهری اثر می‌گذارند. مبتنی بر نتایج حاصل از مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری پژوهش، فرضیه‌های مطالعه بررسی شدند تا معناداری روابط میان متغیرها معین شود. با توجه به مقادیر به‌دست آمده و بالاتر بودن عدد معناداری از مقدار (۱/۹۶)، هر سه فرضیه، مبنی بر «معنادار بودن تأثیر مکانیسم‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بر فرم معماری و منظر شهری»، مورد تأیید قرار گرفت. در مدل نهایی تحلیل مسیر

قطعه‌ای از ساختار شهر، بر روند تجدید ساخت فضایی شهر مؤثر افتاده است. از بین رفتن و یا محدود شدن ویژگی‌های منحصربه‌فرد منظر شهری و به‌وجود آمدن اغتشاش خط آسمان و مصادیق متعدد دیگر بر شمرده شده، در پی اعطای مجوز افزایش تراکم و به تبع آن، تعداد طبقات ساختمان‌های احداث‌شده و یا در حال احداث، به ارزش‌های محیطی و فضایی این محدوده، لطمه‌های جدی وارد کرده است. در ادامه به فرایند تحلیل تم که با هدف تحلیل آسیب‌های وارده به محدوده میدان تجریش، تحت تأثیر مؤلفه‌های اقتصاد سیاسی فضا و مشخصاً تعیین تأثیرگذارترین مؤلفه‌ها صورت گرفته است، اشاره می‌شود.

- یافته‌های تحلیل تم

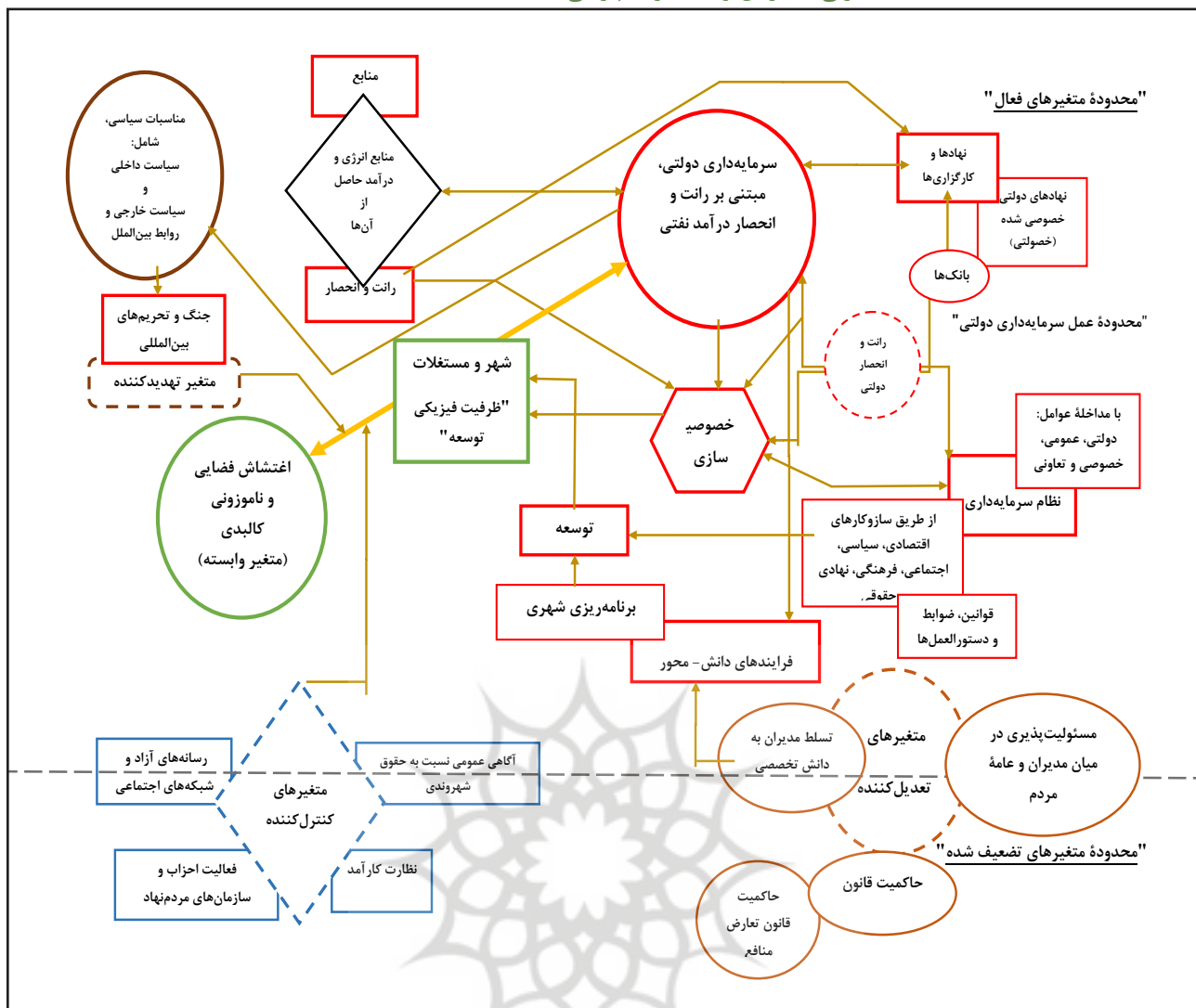
نتایج تحلیل تم، پس از تجمیع و مقوله‌بندی در قالب کدهای باز، محوری و مرکزی، نهایتاً منجر به استخراج مفاهیم انتزاعی (مضامین) به شرح زیر شد:

الف: نقش سیاست‌گذاری‌های مستقیم و مداخلات و حمایت‌های غیرمستقیم و به‌شدت تأثیرگذار ارگان‌های اجرایی و بخش خصوصی، در فرایند شکل‌گیری کالبد معماری و منظر شهری.

ب: رشد مالکیت بخش دولتی و شبه‌دولتی، مانند سهم مالکیت ارگان‌های اجرایی دولتی در فضاهای شهر، همچون بیمارستان‌های دولتی و مراکز شهرداری‌ها در اراضی شهری. این موضوعات، از تحلیل پاسخ‌های ارائه‌شده به پرسش‌هایی مبنی بر: «نقش دولت در شکل‌گیری منظر کنونی شهر تهران، مؤلفه‌ها و مکانیسم‌های اثرگذار بر معماری و منظر شهری تهران، نقش کمیسیون ماده ۵، کمیسیون ماده ۱۰۰ و حجم گسترده‌ای از تخلفات ساختمانی، علت شکاف بین تئوری و عمل در معماری و منظر شهری، در تهران و محدوده میدان تجریش، ارزیابی خصوصی‌سازی در ایران و ارزیابی از سهم بانک‌ها در رشد کمی مناطق برخوردارتر شهر تهران و تأثیر نفت بر اقتصاد زمین و مستغلات»، حاصل شد.

ج: وجود سرمایه‌های کلان در دستان بخش خصوصی، بخش دولتی و عمدتاً بخش‌های شبه‌دولتی و راه‌یابی بخش اعظم این سرمایه‌ها در بازار املاک و مستغلات. این موضوع از تحلیل پاسخ‌های ارائه‌شده به پرسش‌هایی مبنی بر: «واقعیت‌ها و خصوصیات بارز وضعیت کنونی معماری و منظر شهری محدوده میدان تجریش (سر پل) تا میدان قدس، سرمایه‌گذاران اصلی در مستغلات مناطق برخوردار شهر، عوامل و مؤلفه‌های مسبب اغتشاش معماری و منظر شهری تهران، ارزیابی روند توسعه محدوده میدان تجریش، به‌عنوان کانون توسعه منطقه یک و ارزیابی وضعیت کنونی امامزاده صالح، بیان تجربه، از پیاده‌روهای محدوده تجریش» حاصل شد.

د: تمرکز اعتبارات بانکی تخصیص‌یافته در سرمایه‌گذاری در



تصویر ۱۱. مدل تحلیلی چارچوب نظری انطباقی پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

جدول ۲. اولویت مؤلفه‌های تأثیرگذار بر مبنای اثرات کل به دست آمده از فرایند تحلیل مسیر. مأخذ: نگارندگان.

رتبه	اثر کل	مؤلفه تأثیرگذار	رتبه	اثر کل	مؤلفه تأثیرگذار
۱۰	۰/۴۵۷۴	دانش و تکنولوژی اطلاعات	۱	۰/۹۶۲۷	دولت و حاکمیت
۱۱	۰/۴۵۵۴	سیاست‌های حوزه زمین و فضا	۲	۰/۹۴۴۹	رانت و انحصار
۱۲	۰/۳۶۹۶	سیاست‌های عمومی و داخلی	۳	۰/۹۳۱۶	نظام سرمایه‌داری و انباشت سرمایه
۱۳	۰/۳۶۵۸	مناسبات اقتصاد جهانی	۴	۰/۸۰۴۶	منابع مالی
۱۴	۰/۳۱۲	سیاست خارجی و روابط بین‌الملل	۵	۰/۶۸۴۴	سیاست‌های پولی و بانکی
۱۵	۰/۳۰۲۲	ایدئولوژی	۶	۰/۶۵۶	نهادهای و کارگزاری‌ها
۱۶	۰/۲۴۴	تاریخ	۷	۰/۶۰۷۲	دیوان‌سالاری
۱۷	۰/۱۷۲۳	سرمایه اجتماعی	۸	۰/۵۰۹۷	فرهنگ
۱۸	۰/۱۶۰۹	توسعه	۹	۰/۴۶۵	نظام اجتماعی-اقتصادی

این پژوهش، مؤلفه‌های هریک از مکانیسم‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و در مکانیسم اقتصادی، مؤلفه‌های دانش و تکنولوژی، نهادها و کارگزاران اقتصادی، نظام انباشت سرمایه، منابع مالی، توسعه، نظام اجتماعی و مناسبات اقتصاد جهانی، از طریق تحلیل عاملی اکتشافی استخراج شد. در این مدل اثر مستقیم دانش و تکنولوژی، با وزن استاندارد شده ۰/۵۹ بر توسعه فیزیکی مشخص شد و نشان داد در صورتی که دانش و تکنولوژی اطلاعات در مسیر رشد و بالندگی شهری به کار گرفته شود، می‌تواند اثری مطلوب و مناسب در توسعه فیزیکی شهر داشته باشد، اما با توجه به نقش مؤلفه‌های دیگری مانند نظام انباشت سرمایه و منابع مالی، اثر دانش و تکنولوژی اطلاعات در مسیر انباشت سرمایه، ممکن است باعث توسعه‌هایی شود که فرم معماری و منظر شهری را به مخاطره بیاندازد. بنابراین از اثرات مستقیم و غیرمستقیمی که بار مثبتی بر روی توسعه دارند، می‌توان به دانش و تکنولوژی اطلاعات و فرهنگ اشاره کرد، اما در فضای اقتصادی ناشی از حاکمیت نظام سرمایه‌داری که به انباشت سرمایه توجه انحصاری دارد، این امکان وجود دارد که توسعه فیزیکی به مسیری انحرافی سوق پیدا کند. مؤلفه توسعه فیزیکی شهر، همچنین تحت تأثیر سیاست‌های حوزه زمین و فضا قرار می‌گیرد. یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر توسعه که در اثر مستقیم می‌توان به آن اشاره کرد، فرهنگ است که بسته به این‌که چگونه (زیرساختی یا ابزاری) و در چه فرایندی (سازنده یا مخرب) به کار گرفته شود، بر فرم معماری و منظر شهری تأثیرگذار خواهد بود. مؤلفه دیگری که در توسعه فیزیکی نقش کلیدی دارد، منابع مالی است که در نظام انباشت سرمایه نقش داشته و در توسعه فیزیکی تأثیرگذار است. مؤلفه دیگری که از مکانیسم سیاسی به‌طور غیرمستقیم بر توسعه فیزیکی تأثیرگذار است، دولت و حاکمیت است. توسعه نهادها و کارگزاران اقتصادی در مجموعه شرکت‌های شبه‌دولتی، در توسعه فیزیکی شهر تأثیرگذار هستند. مؤلفه دیگر مکانیسم سیاسی که به‌طور غیرمستقیم می‌تواند در مسیر توسعه فیزیکی تأثیرگذار باشد، رانت و انحصار است که هم بر منابع مالی و هم بر نظام سرمایه‌گذاری و انباشت سرمایه تأثیرگذار است. نظام اجتماعی، مربوط به بعد مکانیسم اقتصادی، با وزن‌های استاندارد شده ۰/۵۱ به‌طور مستقیم بر نهادها و کارگزاران اقتصادی تأثیرگذار است. مؤلفه سرمایه اجتماعی، از بعد مکانیسم اجتماعی با وزن استاندارد شده ۰/۷۴ بر نظام اجتماعی (از بعد مکانیسم اقتصادی) تأثیرگذار است. از دیگر عوامل تأثیرگذار بر نظام اجتماعی، در بعد مکانیسم سیاسی، ایدئولوژی است که بر نظام اجتماعی (از بعد مکانیسم اقتصادی) تأثیرگذار است. وزن استاندارد شده

این مؤلفه ۰/۶۵ به‌دست آمده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت سرمایه اجتماعی، فرهنگ و ایدئولوژی می‌توانند به‌طور غیرمستقیم، از طریق نظام اجتماعی (از بعد مکانیسم اقتصادی)، بر فرم معماری و منظر شهری تأثیرگذار باشند. یکی دیگر از مؤلفه‌های مهم تأثیرگذار بر فرم معماری و منظر شهری، نهادها و کارگزاران اقتصادی است. در مدل نهایی، رانت و انحصار، دولت و حاکمیت، سیاست‌های پولی و بانکی، منابع مالی، نظام سرمایه‌داری و انباشت سرمایه و نظام اجتماعی (از بعد مکانیسم اقتصادی) بر نهادها و کارگزاران اقتصادی تأثیرگذار هستند. در این مدل، اثر غیرمستقیم رانت و انحصار بر فرم معماری و منظر شهری، از طریق نهادها و کارگزاران اقتصادی، مشخص شد. اثر مستقیم رانت و انحصار بر نهادها و کارگزاران اقتصادی ۰/۴۹ و اثر مستقیم نهادها و کارگزاران بر مکانیسم اقتصادی ۰/۶۳ و اثر مستقیم مکانیسم اقتصادی بر فرم معماری و منظر شهری برابر با ۰/۶۲ است. بنابراین، یکی از اثرات غیرمستقیم رانت و انحصار بر فرم معماری و منظر شهری، از طریق نهادها و کارگزاران اقتصادی برابر با ۰/۱۹۱ به‌دست آمده که قابل توجه است. در مدل نهایی اثر غیرمستقیم دولت و حاکمیت بر فرم معماری و منظر شهری از طریق نهادها و کارگزاران است. اثر مستقیم دولت و حاکمیت بر نهادها و کارگزاران اقتصادی ۰/۵۴ و اثر مستقیم نهادها و کارگزاران بر مکانیسم اقتصادی ۰/۶۳ و اثر مستقیم مکانیسم اقتصادی بر فرم معماری و منظر شهری برابر با ۰/۶۲ است. بنابراین بنا بر این یکی از اثرات غیرمستقیم دولت و حاکمیت بر فرم معماری و منظر شهری از طریق نهادها و کارگزاران اقتصادی برابر با ۰/۲۱ به‌دست آمده که قابل توجه و معنادار است. در این مدل اثر غیرمستقیم سیاست‌های پولی و بانکی بر فرم معماری و منظر شهری، از طریق نهادها و کارگزاران اقتصادی است. اثر مستقیم سیاست‌های پولی و بانکی بر نهادها و کارگزاران اقتصادی، ۰/۵۸ و اثر مستقیم نهادها و کارگزاران بر مکانیسم اقتصادی ۰/۶۳ و اثر مستقیم مکانیسم اقتصادی بر فرم معماری و منظر شهری برابر با ۰/۶۲ است. بنابراین، یکی از اثرات غیرمستقیم سیاست‌های پولی و بانکی بر فرم معماری و منظر شهری از طریق نهادها و کارگزاران اقتصادی برابر با ۰/۲۲۶ به‌دست آمده که قابل توجه و معنادار است. به استناد مدل، اثر غیرمستقیم منابع مالی بر فرم معماری و منظر شهری، از طریق نهادها و کارگزاران است. اثر مستقیم منابع مالی بر نهادها و کارگزاران اقتصادی ۰/۶۵ و اثر مستقیم مکانیسم اقتصادی ۰/۶۳ و اثر مستقیم مکانیسم اقتصادی بر فرم معماری و منظر شهری برابر با ۰/۶۲ است؛ بنابراین یکی از اثرات غیرمستقیم منابع مالی بر فرم معماری و منظر شهری، از

این پژوهش، مؤلفه‌های هریک از مکانیسم‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و در مکانیسم اقتصادی، مؤلفه‌های دانش و تکنولوژی، نهادها و کارگزاران اقتصادی، نظام انباشت سرمایه، منابع مالی، توسعه، نظام اجتماعی و مناسبات اقتصاد جهانی، از طریق تحلیل عاملی اکتشافی استخراج شد. در این مدل اثر مستقیم دانش و تکنولوژی، با وزن استاندارد شده ۰/۵۹ بر توسعه فیزیکی مشخص شد و نشان داد در صورتی که دانش و تکنولوژی اطلاعات در مسیر رشد و بالندگی شهری به کار گرفته شود، می‌تواند اثری مطلوب و مناسب در توسعه فیزیکی شهر داشته باشد، اما با توجه به نقش مؤلفه‌های دیگری مانند نظام انباشت سرمایه و منابع مالی، اثر دانش و تکنولوژی اطلاعات در مسیر انباشت سرمایه، ممکن است باعث توسعه‌هایی شود که فرم معماری و منظر شهری را به مخاطره بیاندازد. بنابراین از اثرات مستقیم و غیرمستقیمی که بار مثبتی بر روی توسعه دارند، می‌توان به دانش و تکنولوژی اطلاعات و فرهنگ اشاره کرد، اما در فضای اقتصادی ناشی از حاکمیت نظام سرمایه‌داری که به انباشت سرمایه توجه انحصاری دارد، این امکان وجود دارد که توسعه فیزیکی به مسیری انحرافی سوق پیدا کند. مؤلفه توسعه فیزیکی شهر، همچنین تحت تأثیر سیاست‌های حوزه زمین و فضا قرار می‌گیرد. یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر توسعه که در اثر مستقیم می‌توان به آن اشاره کرد، فرهنگ است که بسته به این‌که چگونه (زیرساختی یا ابزاری) و در چه فرایندی (سازنده یا مخرب) به کار گرفته شود، بر فرم معماری و منظر شهری تأثیرگذار خواهد بود. مؤلفه دیگری که در توسعه فیزیکی نقش کلیدی دارد، منابع مالی است که در نظام انباشت سرمایه نقش داشته و در توسعه فیزیکی تأثیرگذار است. مؤلفه دیگری که از مکانیسم سیاسی به‌طور غیرمستقیم بر توسعه فیزیکی تأثیرگذار است، دولت و حاکمیت است. توسعه نهادها و کارگزاران اقتصادی در مجموعه شرکت‌های شبه‌دولتی، در توسعه فیزیکی شهر تأثیرگذار هستند. مؤلفه دیگر مکانیسم سیاسی که به‌طور غیرمستقیم می‌تواند در مسیر توسعه فیزیکی تأثیرگذار باشد، رانت و انحصار است که هم بر منابع مالی و هم بر نظام سرمایه‌گذاری و انباشت سرمایه تأثیرگذار است. نظام اجتماعی، مربوط به بعد مکانیسم اقتصادی، با وزن‌های استاندارد شده ۰/۵۱ به‌طور مستقیم بر نهادها و کارگزاران اقتصادی تأثیرگذار است. مؤلفه سرمایه اجتماعی، از بعد مکانیسم اجتماعی با وزن استاندارد شده ۰/۷۴ بر نظام اجتماعی (از بعد مکانیسم اقتصادی) تأثیرگذار است. از دیگر عوامل تأثیرگذار بر نظام اجتماعی، در بعد مکانیسم سیاسی، ایدئولوژی است که بر نظام اجتماعی (از بعد مکانیسم اقتصادی) تأثیرگذار است. وزن استاندارد شده

طریق نهادها و کارگزاران اقتصادی برابر با ۲۵۳/۰ به دست آمده که قابل توجه و معنادار است.

بحث و تفسیر نتایج یافته‌ها

نتایج یافته‌های این پژوهش در دو بخش نظری و تجربی، حول دو محور زیر به پرسش پژوهش، پاسخ داد:

۱- در پاسخ به بخش اول پرسش که کدام نیروها و مؤلفه‌های اقتصاد سیاسی بر معماری و منظر شهری، اثرگذارند؟ با تکیه بر مطالعات نظری در سطح عام و جهان، جمعاً ۱۸ مؤلفه در سه لایه، شامل: مکانیسم‌های نظام اقتصادی، مکانیسم‌های نظام سیاسی و مکانیسم‌های نظام اجتماعی، شناسایی و طبقه‌بندی شد.

۲- در پاسخ به این پرسش که مؤلفه‌های اثرگذار چگونه و از طریق چه سازوکارهایی بر معماری و منظر شهری محدوده میدان تجریش، مؤثر افتاده‌اند؟ به استناد مطالعات تجربی این پژوهش و سنتز نتایج تحلیلی، مناسبات اقتصادی و به‌طور خاص مناسبات بازار قیمت‌گذاری شده و بازار کالا و پول و چرخه‌های گوناگون فعالیت‌های اقتصادی و رخدادهای مربوط به نظام فعالیت‌های غیررسمی کنترل‌شده، ذیل طبقه‌بندی نظام انباشت سرمایه، یکی از عواملی است که منشأ بروز مصادیق متعددی از مفهوم آشفتگی، اختلال و بی‌نظمی در ادراک تصویری، تحت عنوان «اغتشاش بصری» و با کالبدی، ناسازگار، ناهنجار، فاقد ریتم و وزن یا ناهماهنگ با وضعیت درخور و شایسته این محدوده، با طرح عنوان «ناموزونی کالبدی» در محدوده میدان تجریش بوده است. براساس مشاهدات و مصاحبه‌های صورت‌گرفته، همچنین عمده سرمایه‌گذاری‌های چند دهه اخیر - به استثنای نمونه‌های دانه‌درشتی، همچون: ارگ تجاری، تندیس و بیمارستان شهدای تجریش - تظاهرات بیرونی قابل درکی در کف و نمای خیابانی این محدوده توسط عامه مردم و حتی برخی از متخصصان امر نداشته است که به نظرمی‌رسد دلیل این موضوع بدو عامل تأثیر درایت فرهنگی صاحبان املاک باشد. به این معنا که حوزه‌های فرهنگی و مذهبی در رابطه با مؤلفه انباشت سرمایه، در پیوندهای تودرتو، میان حلقه‌های قدرت مالی، وابسته به نهادهای دولتی و حاکمیت سیاسی قرار می‌گیرند و عامل فرهنگی، مانع بروز تظاهرات انباشت سرمایه می‌شود. در ارتباط با این محدوده به‌طور خاص، بازار و تولید بارگاه امام‌زاده صالح (ع) (به‌عنوان نماینده سازمان اوقاف و امور خیریه، به‌منزله یک نهاد دولتی که مالک بخش عمده‌ای از زمین‌های این محدوده است) در اتخاذ هرگونه تصمیمی نقش کلیدی داشته و الگوی تظاهر سرمایه‌های آن از حیث فرهنگی، هدایت می‌شود. از سوی دیگر، به لحاظ

فرهنگی اساساً طبقه سرمایه‌دار میانی، از نمود یافتن ابعاد سرمایه‌گذاری‌های خود واهمه دارند؛ چنان‌که برخی بر این باورند که این‌گونه تمهیدات، به‌منظور کاهش تعهدات و مسئولیت‌های مالی صورت می‌گیرد تا در پی ضرورت پرداخت مالیات بر ارزش افزوده «واقعی» راه‌گریزی باشد. نحوه توسعه پاساژ قائم در بافت پشتی خیابان شهرداری و در قلب مجموعه بازار سنتی تجریش، به‌ویژه و به‌صورت کاملاً مشخص، گواهی‌گویا بر این مدعاست، زیرا ساختمان پاساژ می‌توانست در فرم چشمگیر و برجسته‌ای، خودنمایی کند.

نتیجه‌گیری

فرم معماری و منظر شهری به دلایل زیر اساساً زاینده یک نظام اقتصاد سیاسی است:

۱- گروه‌های قدرتمند اجتماع با تسلط بر منابع، با اعمال هژمونی سیاسی و فکری خود در کم و کیف شاکله شهرها از طریق ایجاد لایه‌سازی‌های ارتباطی و عملکردی، منظر شهر را با مردم پیوند می‌زند و برخی تعلقات فرهنگی و ایدئولوژیکی مردم در محدوده تجریش به نمادهای مذهبی، تشکیلات اجرایی و حمایت همه‌جانبه دولت توانسته عامل تغییر در فرم معماری و منظر شهری به شمار آید.

۲- نظام انباشت سرمایه توانسته در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیمات نهادها در تخصیص منابع و تسهیلات و چگونگی بهره‌برداری فیزیکی در فرم معماری و منظر شهری، تأثیرگذار باشد. به‌ویژه، نظام انباشت متأثر از حاکمیت نهادهای فراقوه‌ای در سیاست.

۳- نهادها و کارگزاران اقتصادی نظام انباشت در جامعه، مؤلفه مهم دیگری هستند که بر فرم معماری و منظر شهری اثرگذارند. درحقیقت، قدرت و حاکمیت سیاسی با تشکیل گروه‌ها و نهادها یا کارگزاران اقتصادی وابسته به خویش، از طریق تشکیل نهادها و کارگزاران اقتصادی وابسته و مداخلات آن‌ها در فرایند تصمیم‌سازی و انتخاب، کنترل و نظارت، تحت عنوان «پروژه‌های محرک توسعه»، موجب تغییر در روند شکل‌گیری فرم معماری و منظر شهری می‌شوند. بنابراین تغییرات فرم معماری و منظر شهری، توانسته با بخشی از طبقات حاکمیت سیاسی و اجرایی در ارتباط باشد که قادر هستند در تنظیم مناسبات اجتماعی در قالب سیاست‌گذاری‌ها و نیز تعیین اولویت‌های تخصیص منابع مالی و تدوین حقوق و قوانین شهری، اعمال نظر کنند.

۴- مکانیسم مؤلفه رانت توانسته به‌عنوان یک مؤلفه قدرتمند تأثیرگذار بر فرم معماری و منظر شهری عمل کند؛ چنان‌که با کسب حمایت از قدرت گروه‌های وابسته، تحکیم و گسترده شود و منافع و مناسبات این گروه فرم معماری و منظر شهری

مکانیسم انباشت سرمایه اقتصادی در بخش ساختمان است که از طریق سیاست‌گذاری‌های مالی و بانکی در اختیار نهادها و کارگزاری‌های انحصارات دولتی و فراقوه‌ای قرار گرفته و آن‌ها در فرایند خصوصی‌سازی، در ترکیب با دو مؤلفه اخیر و به وساطت بانک‌ها، بر فرایند برنامه‌ریزی شهری که یک فرایند دانش‌محور است، تأثیر گذاشته و موجب بروز اغتشاش فضایی و ناموزونی کالبدی شده است.

را رقم زند. در واقع قدرت اقتصادی در فضاهایی که تولید می‌کند، انحصار گروه‌های وابسته را بازنمایی کرده و شیوه‌های حاکمیت و اقتدار سیاسی را در تغییرات فرم معماری و منظر شهری، نمود عینی می‌بخشد.

۵- به استناد نتایج تحلیل مسیر این پژوهش و تصویر ۱۱، همچنین در جمع‌بندی چهار محور برشمرده شده فوق، شهر و مستغلات، به‌عنوان ظرفیت فیزیکی «توسعه»

پی‌نوشت‌ها

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری معماری «نازلی طاهریان» با عنوان «تبیین تأثیر مؤلفه‌های اقتصاد سیاسی بر معماری و منظر شهری کلانشهر تهران (نمونه مورد مطالعه: خیابان تجریش حد فاصل میدان تجریش و میدان قدس» است که به راهنمایی دکتر «حمیدرضا پارسی» در سال ۱۴۰۱ در گروه هنر پردیس بین‌المللی کیش دانشگاه تهران، به انجام رسیده است.

فهرست منابع

- آقایی، پرویز؛ توکلی‌نیا، جمیله؛ کلانتری، محسن و فنی، زهره. (۱۳۹۸). تولید و بازتولید فضا در چرخه دوم انباشت سرمایه، نقدی بر زندگی روزمره در فضای زیسته. *باغ نظر*، ۱۶(۸۰)، ۲۹-۴۰.
- بانی مسعود، امیر. (۱۳۹۳). معماری غرب، ریشه‌ها و مفاهیم. چاپ ششم. ویراست دوم. تهران: نشر هنر معماری قرن.
- تولایی، نوین. (۱۳۸۶). شکل شهر منسجم. تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
- خیرالدین، رضا. (۱۳۹۳). *نگاهی انتقادی بر عوامل تجاری شدن جداره‌های اصلی محلات شهری*. تاریخ مراجعه: ۱۴۰۱/۰۷/۱۵، قابل دسترسی در <https://nazar.ac.ir/>
- درودیان، حسین. (۱۴۰۰). *معماران پول «روایتی نواز نقش بانک‌ها در خلق پول»*. تهران: انتشارات نهادگرا.
- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۷). *توسعه و تضاد، کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی*. چاپ دوم. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- رئیس دانا، فریبرز. (۱۳۸۰). *بررسی‌های کاربردی توسعه و اقتصاد ایران*. ج. دوم. تهران: نشر چشمه.
- رئیس دانا، فریبرز. (۱۳۹۷). *حباب‌های مالی و شهر طبقاتی*. تاریخ مراجعه: ۱۴۰۱/۱۰/۲۱، قابل دسترسی در: <http://iran-chabar.de/article.jsp?essay=> Id=91415
- زندی، مرجانه. (۱۳۹۲). آسیب‌شناسی ایجاد یک پهنه مصنوع در شهر. *منظر*، ۵۱(۲۴)، ۴۸-۵۱.
- شوای، فرانسواز. (۱۳۹۷). *شهرسازی: تخیلات و واقعیات (ترجمه سید محسن حبیبی)*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شهابیان، پویان و گلی‌پور، مرجان. (۱۳۹۶). مدیریت بصری شهر با تأکید بر نماهای ساختمان. *کنگره بین‌المللی عمران، معماری و توسعه شهری*، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
- صادقی‌پور رودسری، محیا؛ علیمحمدی، پریسا و معظمی، منوچهر. (۱۳۹۷). سیر تحولات شاخص‌های برنامه‌های مراکز خرید تهران. *جغرافیا-برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۱۰۴-۹۱(۴)، ۱۰۴-۹۱.
- عبده تبریزی، حسین. (۱۳۹۸). *املاک تجاری بر سر دوراهی*. تاریخ مراجعه: ۱۴۰۱/۰۷/۱۵، قابل دسترسی در: <https://finance.ir/cvid/172/con-tent/11759/default.aspx>.
- کاتبرت، الکساندر. (۱۳۹۵). *شکل شهرها، اقتصاد سیاسی و طراحی شهری* (ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی). چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، محمدعلی. (۱۳۸۴). *تضاد دولت و ملت؛ نظر به تاریخ و سیاست در ایران* (ترجمه علیرضا طبیب). تهران: نشر نی.

- کالن، گوردون. (۱۳۸۷). گزیده منظر شهری (ترجمه منوچهر طبیبیان). چاپ سوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گل، یان. (۱۳۹۲). شهر انسانی (ترجمه علی غفاری و لیلیا غفاری). تهران: مؤسسه علم معمار.
- گل، یان. (۱۳۹۶). زندگی میان ساختمان‌ها، کاربرد فضای جمعی (ترجمه علی اکبری، فرشته کرمیان و نسترن محرابی). تهران: انتشارات پرهام نقش.
- گلکار، کوروش. (۱۳۸۷). سیر تحول، از رویکرد تزئینی تا رویکرد پایدار. علوم محیطی، ۴۵(۴)، ۹۵-۱۱۴.
- لوفور، هانری. (۱۳۹۴). درآمدی بر تولید فضای هانری لوفور (ترجمه آیدین ترکمه). تهران: انتشارات تیسرا.
- لینچ، کوین. (۱۳۷۶). تئوری شکل (خوب) شهر (ترجمه سید حسین بحرینی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مدنی‌پور، علی. (۱۳۷۹). طراحی فضای شهری، نگرشی بر فرایندی اجتماعی و مکانی (ترجمه فرهاد مرتضایی). تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، وابسته به شهرداری تهران.
- مدنی‌پور، علی. (۱۳۸۱). تهران - ظهور یک کلانشهر (ترجمه حمید رزآزوند). تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- مدنی‌پور، علی. (۱۳۹۰). طراحی شهر خرد، مبانی و چارچوب‌ها (ترجمه دکتر بهادر زمانی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مزینی، منوچهر. (۱۳۷۴). مطالعه کالبدی شهر تهران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی.
- مصلی‌نژاد، عباس. (۱۳۹۴). اقتصاد سیاسی، مبانی، کارکرد و فرایند. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مصلی‌نژاد، عباس. (۱۳۹۵). اقتصاد سیاسی ایران، دوران معاصر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- معظمی، منوچهر. (۱۳۹۴). معماری معاصر ایران، جامعه کوتاه‌مدت - معماری کوتاه‌مدت. فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی، ۱(۱)، ۳۹-۶۲.
- مقصودی، امین. (۱۳۹۸). یک‌جانبه‌گرایی مدرنیستی و سیاست‌های توسعه شهری ایران معاصر. منظر، ۱۱(۴۸)، ۶-۱۳.
- موثقی، احمد. (۱۳۹۸). اقتصاد سیاسی توسعه و توسعه‌نیافتگی. چاپ سوم (تجدید نظر و اصلاحات). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- هاروی، دیوید. (۱۳۹۲). شهری‌شدن سرمایه (ترجمه عارف اقوامی مقدم). چاپ دوم. تهران: نشر دات.
- هاروی، دیوید. (۱۳۹۵). عدالت اجتماعی و شهر (ترجمه محمدرضا حائری). تهران: سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
- Kenny, M. & Zysman, J. (2016). The Rise of the Platform Economy. *ISSUES, In Science and Technology*, XXXII(3).



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

طاهریان، نازلی و پارسی، حمیدرضا. (۱۴۰۲). دینامیزم اقتصاد سیاسی فضا، ناموزونی کالبدی و اغتشاش بصری (مورد مطالعه: خیابان شهرداری از میدان تجریش تا میدان قدس). منظر، ۱۵(۶۳)، ۵۲-۶۹.



DOI: 10.22034/MANZAR.2023.364363.2206

URL : https://www.manzar-sj.com/article_168723.html